

# طلاق؛ عبور جامعه از شکل سنتی به مدرن



چهارشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۰ - ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱  
گفتگوی میترا شجاعی از رادیو دویچه وله با

## مهرداد درویش پور

نگرانی مسئولان از بالا رفتن آمار طلاق و پایین آمدن میزان ازدواج تا چه حد با معیارهای جامعه مدرن مطابقت دارد؟ آیا اصولاً طلاق یک ناهنجاری اجتماعی است یا نشانه‌ای از رشد خودآگاهی و فردیت؟ آیا هنوز هسته اصلی جامعه خانواده است؟

«آمار سه سال گذشته حاکی از آن است که طلاق در این مدت رشدی ۱۴ درصدی داشته به عبارت دیگر از هر ۶ ازدواج یکی به طلاق ختم می‌شود». (رئیس سازمان ثبت اسناد ایران، خبرگزاری فارس، ۷ خرداد ۱۳۹۰)

«میزان طلاق از حدود ۹ درصد در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۱۱ درصد در سال ۸۶ رسیده است». (مدیر بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی، ایرنا، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰)

«میزان طلاق در ۵ سال گذشته ۳۷ درصد رشد داشته که بیشترین آنها مربوط به زوج‌هایی با سن زیر ۳۰ سال است. همچنین مطابق این آمار حدود سه چهارم از طلاق‌ها مربوط به زوج‌هایی بوده است که کمتر از ۱۰ سال از زندگی زناشویی آنان می‌گذرد». (خبرگزاری مهر، ۱۵ تیر ۱۳۹۰)

«آمار طلاق در استان آذربایجان شرقی در دو ماه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۳ درصد رشد داشته است. همچنین آمار طلاق در سال ۱۳۸۹ به میزان ۷ و نیم درصد نسبت به سال ۸۸ افزایش داشته». (سرپرست اداره کل ثبت احوال آذربایجان شرقی، خبرگزاری مهر، ۲۸ خرداد ۱۳۹۰)

«در قم از هر ۴ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شود و متأسفانه استان قم بعد از تهران رتبه دوم طلاق در کشور را داراست». (مدیرکل بهزیستی استان قم، خبرآنلاین، ۲۴ تیر ۱۳۹۰)

قصه تازه‌ای نیست. چند سالی می‌شود که "نگرانی" درباره آمار بالای طلاق در ایران تیر اول بسیاری از صفحات اجتماعی رسانه‌هاست. برای حکومتی که شعارش تقدیس نهاد خانواده است البته که این آمار بسیار نگران‌کننده است اما آیا برای کارشناسان مسائل اجتماعی نیز چنین است؟

گفت و گو با مهرداد درویش‌پور

دکتر مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس مقیم سوئد معتقد است که طلاق به خودی خود یک ناهنجاری به حساب نمی‌آید بلکه یک انتخاب عقلانی است.

او می‌گوید: «طلاق در واقع یک انتخاب است. همان طور که ازدواج برای این که فرد زندگی خود را بهبود ببخشد یک انتخاب است، طلاق هم یک انتخاب است. و لابد آدمها وقتی به طلاق می‌اندیشند، آن قدر زندگی‌شان با دشواری روبه‌رو است که این دشواری راهی جز انتخاب جدایی را پیش روی قرار نمی‌دهد. بنابراین من فکر می‌کنم کسانی که طلاق را یکسره با ناهنجاری توضیح می‌دهند، یک نگاه محافظه‌کارانه دارند. این همان نگاه‌ست که از گذشته دور موقع ازدواج سوگند خورده می‌شود که جز مرگ چیزی نتواند بین دو زوج جدایی ایجاد کند. از این منظر به نظر من به طلاق باید به‌عنوان یک انتخاب عقلایی نگاه کرد».

این کارشناس معتقد است هرچه جامعه مدرن‌تر می‌شود، فردیت معنای بیشتری پیدا می‌کند و به همین دلیل افراد دیگر دلیلی نمی‌بینند که فردیت خود را به خاطر مصالح جمعی سرکوب کنند. درویش‌پور طلاق را نشانه‌ی گسترش مدرنیته می‌داند و نشانگر این که افراد و به‌ویژه زنان به خواست و به بدن خودشان و به نیازهای خودشان بیشتر از قضاوت جمع، اجتماع، جامعه یا پدر و مادر توجه می‌کنند.

او می‌گوید: «در جامعه‌ی مدرن، فرد سلول اصلی جامعه است و نه خانواده. به همین خاطر هرچه جلوتر می‌رویم، هرچه با توسعه‌ی حقوق فردی و برابری زن و مرد بیشتر روبه‌رو می‌شویم، می‌بینیم که ارجحیت خانواده بر مثلاً زندگی مجرد یا «سینگل لایف» کمتر می‌شود. در کشوری نظیری سوئد که اساساً این تبعیض برچیده شده و به‌هیچ وجه خانواده یک منزلت اجتماعی برتر را در قانون بازتاب نمی‌دهد و نوعی پلورالیسم (تکثرگرایی) نسبت به شکل زندگی وجود دارد».

به عقیده‌ی مهرداد درویش‌پور و البته بسیاری دیگر از جامعه‌شناسان، تقدیس خانواده در شکل سنتی آن تنها مخصوص افکار محافظه‌کارانه است که جوانان به راحتی زیر بار آن نمی‌روند. او می‌گوید: «من فکر می‌کنم هرچه جامعه‌ی ایران جلوتر می‌رود، اشکال سنتی رابطه‌ی دو جنس و یا اشکال سنتی خانواده بی‌موضوع‌تر می‌شود و جامعه‌ی ایران پلورالیسمی را که در جامعه‌ی مدرن با آن روبه‌رو هستیم، دیر یا زود تجربه خواهد کرد و یکی از دلایل این طلاق‌ها هم همین تمایل جامعه به عبورکردن از شکل سنتی خانواده است».

«ایران در آستانه یک انقلاب جنسی»

مدیر بخش روان‌پزشکی در سازمان پزشکی قانونی در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا اعلام کرده است که ۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌ها به دلیل مشکلات و اختلالات جنسی است.

Bildunterschrift: در ایران تنها راه رسمی برقراری رابطه جنسی، ازدواج است. در حقیقت برقراری رابطه جنسی قبل از ازدواج نه مرسوم است و نه پسندیده و نه قانونی. بنابراین یکی از مهمترین عوامل تشکیل یک زندگی متعادل و برابر که رابطه جنسی متعادل است قبل از ازدواج قابل امتحان نیست.

از این رو به گفته‌ی آمارهای رسمی ۶۰ درصد از طلاق‌ها به دلیل همین ناهماهنگی جنسی دو طرف صورت می‌گیرد.

مهرداد درویش‌پور این معضل را بیش از آنکه «اختلال جنسی» بداند، بالا رفتن توقع جنسی می‌نامد و می‌گوید: «توقع جنسی در ایران افزایش پیدا کرده، بدون این که متناسب با آن قوانین یا عرف جامعه به اشکال دیگری از پاسخگویی به نیازهای جنسی میدان دهد. در نتیجه چه اتفاقی می‌افتد؟ آن شکل بسته‌ی خانوادگی با توقعات جنسی افزایش یافته‌ی افراد در تضاد می‌افتد».

او می‌گوید جامعه‌ی ایران در آستانه‌ی یک انقلاب جنسی به‌ویژه در میان نسل جوان قرار دارد که به‌هیچ وجه مایل نیست با ارزشهای کهن و سنتی جامعه، خود را تطبیق دهد. درویش‌پور نتیجه می‌گیرد: «بنا بر این وقتی که این قوانین و پیشه کردن این عرف شکل دیگری از تجربه‌ی جنسی را اجازه نمی‌دهد، خانواده‌ها ناپایدارتر می‌شود و جدایی‌ها به مراتب افزایش پیدا می‌کند، درست به خاطر این که رضایت جنسی از یکدیگر وجود ندارد».

شهر قم، نمونه‌ای از کل ایران مدیرکل بهزیستی استان قم در گفت‌وگو با «خبر آنلاین» اعلام کرد که ۳۰ درصد ازدواج‌ها در قم به طلاق می‌رسد و این استان رتبه دوم طلاق در ایران را بعد از تهران داراست.

قم، مرکز بزرگتر تربیت طلاب علوم دینی در ایران، مقبره یکی از نوادگان پیامبر مسلمانان، محل قرار گرفتن مسجدی که شیعیان آن را مسجد امام دوازدهم و غایب خود می‌دانند و یکی از مهمترین زیارتگاه‌های شیعیان دوازده امامی است. این شهر از دیرباز به عنوان یکی از سنتی‌ترین شهرهای ایران شناخته شده که اکثریت زنان آن نیز پوشش چادر دارند. تقریباً تمامی مراجع تقلید شناخته شده‌ی ایران نیز در این شهر ساکن هستند.

اما نکته عجیب اینجاست که این شهر با این مشخصات بالاترین آمار طلاق را پس از کلان شهر تهران به خود اختصاص داده است.

مهرداد درویش‌پور در توضیح این تناقض، قم را نمونه کوچکی از کل جامعه پارادوکسیکال (پرتناقض) ایران می‌داند و می‌گوید: «در سطح منطقه، ایران دینی‌ترین حکومت را دارد. در حالیکه تحولات سه دهه اخیر، عصر جهانی شدن، رشد مدرنیته، مبارزات زنان و اساساً تغییر ارزشها از ارزشهای جمعی به ارزشهای فردی، موجب شده است که مردم ایران سکولارترین مردم کل منطقه باشند. بین ارزشهای حاکم و آنچه در بطن جامعه جریان دارد، یک تضاد شدید به چشم می‌خورد. در قم هم به گمان من ما با این واقعیت روبه‌رو هستیم».

او می‌گوید در شهر قم یک بافت سنتی-مذهبی حاکم است. در حالی که در بطن جامعه ایران ما شاهد یک تغییر بسیار شگرف هستیم. درویش‌پور ادامه می‌دهد: «خود این تغییر در متن اجتماع و کافی نبودن یا پاسخگو نبودن ارزشهای حاکم می‌تواند نوعی از موقعیت ناهنجاری یا موقعیت آنومی و بی‌نرمی را ایجاد کند که استرس در خانواده‌ها را افزایش می‌دهد و به جدایی منجر می‌شود».

دولتمردان ایران که ۳۲ سال است شعار «نهاد مقدس خانواده» را سر

داده‌اند و برای پاسداشت آن تمامی آزادی‌های فردی را سرکوب کرده‌اند، اینک طبیعی است که بالارفتن آمار طلاق و از هم پاشیدن "خانواده مقدس" را نوعی ناهنجاری به حساب آورند و از آن وحشت داشته باشند.

این وحشت تا بدانجا پیش رفت که چندی پیش محمود احمدی‌نژاد در یک دستورالعمل به سازمان ثبت احوال، مقرر کرد که آمار واقعی طلاقها اعلام نشود. واقعیت اما پشت این پرده‌پوشی همچنان جریان دارد.  
گزارش از میترا شجاعی  
تحریریه: علی امینی